

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عزیز نعیمی
۰۶ سپتمبر ۲۰۱۵

علل نفرت "هاشمیان" از شعله ئی ها و کمونیزم

به دنبال ارسال نوشته خر فیلسوف زمان "هاشمیان" که در آن ضمن بستن اتهامات بر دانشمند متعهد کشور دیپلوم انجنیر آقای "خلیل الله معروفی" و تنی چند از همکاران قلمی دیگر پورتال، نفرت عجیب و دیوانه وار خود را از جریان "شعله جاوید" و کمونیزم نیز بار بار ابراز داشته بود، به این اندیشه بودم تا علل چنین نفرتی را یافته، در حد توان در زمینه روشنگری نمایم.

موضع گیری قاطع و روشن متصدیان پورتال در زمینه که افشای هویت استخباراتی این عنصر خاین به وطن و مردم آن را آشکار ساخت و همچنین توضیح عالمانه آقای "معروفی" در افشای دروغپردازی این انسان بی شخصیت، با آن که اسناد محکمی بودند برای پذیرش این که، در مقطع کنونی "هاشمیان" مجری یک توطئه امپریالیستی علیه پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان"، متصدیان و همکاران قلمی آن از طرف نهاد های استخباراتی دور و نزدیک انتخاب شده و چه بسا، دامن این اتهامات و دروغپردازی ها، بر همکاران و نویسندگان دیگر پورتال نیز گسترش بیابد، مگر نمی تواند بیانگر تمام علل آن باشد.

خوشبختانه دیروز عصر - ۴ سپتمبر - در جریان یک دیدار از قبل تعیین شده با چند تن از دوستان که همه اهل علم و دانش بوده، برخی ها بعد از سالها تدریس در پوهنتونهای کشور، اینک با پول تقاعد خویش زندگانی می نمایند و برخی دیگر هنوز هم به تدریس در مؤسسات تعلیمات عالی در کشور اشتغال دارند و بین آنها یک تن از "سایکو تریست" های معروف کشور، نیز وجود داشت، فرصت مساعد شد تا ضمن بحث راجع به اوضاع عمومی کشور، موضعگیری های اخیر "هاشمیان" را نیز مورد بحث قرار دهیم.

نکاتی که به ارتباط موضوع مورد نظر ما به بحث گذاشته شده باز شد، قرار آتی بود:

۱- مبارزه علیه پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"، متصدیان و همکاران قلمی آن، بخشی از یک مبارزه همه جانبه و سازمان یافته از جانب "سی. آی. آی." و "ام. آی. آی." علیه تمام نشرات مستقل، ملی و انقلابی کشور بوده، در حالی که در داخل دولت دست نشانده، رشته های اتصال آن به وسیله "باری جهانی" و "حنیف اتمر" دو جاسوس آشکار "سی. آی. آی." "ام. آی. آی." سازماندهی و هدایت می گردد، در خارج از کشور و در عرصه رسانه ها، به یقین عده زیادی از جواسیس هر دو نهاد در آن سهم گرفته و در آینده نیز سهم خواهند گرفت.

"هاشمیان" که یکی از کهنه کار ترین جواسیس "ام. آی. آی." و فردی است که در جریان همکاری های استخبارات انگلیس و امریکا، سر در هر دو آخور گذاشته است، با همان دیده درائی شغلی اش، فعلاً نقش قدامه لشکر حمله بر پورتال و شخصیت های آن را به دوش دارد.

علت این تحلیل، مواضع روشن‌گرانه پورتال و همکاران قلمی آن در طول ۷ سال فعالیت مبارزاتی اش بوده که در بسا از موارد در طول این سالها، دولت دست‌نشانده "کرزی" را نه تنها به انفعال کشانیده بود، بلکه در بعضی مواقع مدافعان آن را وادار به دنباله روی نیز نموده بود. از جمله، عام ساختن مسأله اشغال و مستعمره بودن کشور، مضحکه انتخابات در یک کشور تحت اشغال، افتتاح دفتر طالبان در قطر که ظرف یک شب و به دنبال برخورد عالمانه پورتال، ارگ "کرزی" نیز با آن افتتاح به مخالفت برخاست و ... همه نمونه‌هایی بودند و اند که دولت دست‌نشانده "کرزی" و رسانه‌های وابسته به استعمار به ناگزیر، شکست را در آن عرصه‌ها پذیرا گردیدند.

با به وجود آمدن دولت دست‌نشانده کنونی که در واقعیت امر، ائتلاف تمام نیروی‌های ضد ملی از امریکا گرفته تا روس و از انگلیس گرفته تا چین و از ایران گرفته تا عربستان سعودی و از پاکستان گرفته تا هند، همه در آن سهم خاص خود را داشته و می‌خواهند با آرامش کامل برنامه‌های شوم‌شان را در قبال کشور ما پیاده نمایند، جهت رسیدن به اهداف‌شان مبارزه علیه نیروهای انقلابی، آزاده و میهنپرست را در اولویت قرار داده، در پیشاپیش همه، پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" نمی‌تواند مورد حمله قرار نگیرد، زیرا از یک جانب گستره عملش آن را در خط مقدم نبرد قرار می‌دهد و از جانب دیگر استقلال و عدم وابستگی اش به نهاد‌های تشکیلاتی حاضر در کشور، چتر دفاع آن را آسیب پذیر نشان داده، دشمنان مردم افغانستان به خصوص نهاد‌های استخباراتی شرق و غرب و دور و نزدیک را به این نتیجه می‌رساند که می‌باید در گام نخست پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" را از صحنه بدر نمایند.

به همین علت است که می‌بینیم، اینک که قلاده‌جلو داری لشکر دشمنان افغانستان و مردم آن را بر گردن "هاشمیان" انداخته‌اند، در عقب وی تمام جنایتکاران و وطن‌فروشان که در ۴ دهه اخیر دست به جنایت و خیانت زده‌اند، از خلق و پرچم گرفته تا اعضای شورای انقلابی، از جواسیس خاندان سلطنتی گرفته تا جواسیس ایران و پاکستان، از جواسیس امریکا گرفته تا جواسیس روسیه، هند، چین، انگلستان، حتا کهنه کاران اخوانی که سالها سر در آخور المخابرات العامة عربستان سعودی داشته‌اند، در یک صف به حمایت از وی قلم می‌زنند.

در چنین حالی، در عین حالی که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" وظیفه دارد تا نباید خویشتنداری مبارزاتی را از دست داده و در دامی که برایش پهن شده است، گام گذارد می‌باید نیروی مبارزاتی اش را قسمی، تقسیم نماید که در عین حالی که وظایف اصلی اش، یعنی مبارزه علیه دولت دست‌نشانده، امپریالیزم و ارتجاع‌ها مذهبیه را به پیش می‌برد، عو و عو و زوزه‌های گوشخراش افرادی از قماش "هاشمیان" را نیز با چنان حدتی سرکوب نماید، که چنین توله‌سگانی نه تنها از کردار‌شان پشیمان شوند، بلکه به مادران پتیاره‌شان نیز که چنین فرزندان را از پدران ناشناسی به دنیا آورده و برگرده مردم سوار کرده‌اند، نفرین بفرستند.

گذشته از آنچه پورتال خود انجام می‌دهد، می‌باید تمام‌آنهايي که به مبارزه و محصول آن، یعنی آزادی کشور، سربلندی و رفاه مردم آن باور دارند و نمی‌خواهند در آینده به وسیله نهاد‌های تبلیغاتی دشمنان مردم اعم از امپریالیزم و ارتجاع و جواسیس آنها از قماش "هاشمیان" ها زبان‌شان قطع گردد، وظیفه دارند، تا این نبرد را نبرد خود دانسته، شجاعانه و بهراس پای پیش گذاشته، دستان آشکار و پنهان و محرکان اصلی و ثانوی آن را افشاء نمایند.

۲- دومین نکته که از دید من پنهان مانده بود و توسط همان داکتر "سایکوتریست" که هم اکنون روزانه به ده‌ها شاگرد از دانش و تجربه‌شان می‌آموزند و رتبه علمی بالایی در پوهنتون کابل دارند، مسأله نفرت "هاشمیان" از "تایپیست" بودن، تشخیص داده شد. استاد ما را متوجه ساخت که "هاشمیان" در تمام موارد هر آن گاهی که خواسته باشد، کسی را توهین و تحقیر نماید، می‌خواهد وی را "تایپیست" مخاطب قرار دهد در حالی که اینقدر باید بدانند که یک تایپیست وقتی انگشتانش را در خدمت، نگارش قرار می‌دهد، به مراتب بیشتر از آن کسی شرف دارد که وجدان، شرف و ناموسش را به مانند "هاشمیان" در بازار مکاره امپریالیزم و ارتجاع به حراج گذاشته است.

تذکر این نکته، تقریباً هر یک از افراد جلسه را به حرف آورده، دلایل متعددی در زمینه ارائه شد. یکی از دو تن از دوستان حاضر در جلسه، فکر می نمودند که موجودیت چنین طرز تفکری در "هاشمیان"، برخاسته بینش طبقاتی وی بوده، می خواهد با "تایپست" مخاطب قرار دادن افراد، ضمن آن که طرف را تحقیر می کند، به نحوی عقده خود بزرگ بینی خود را ارضاء نماید.

مگر استاد، چنین طرز دیدی را کامل ندانسته فکر می نمود که چنین نفرتی می باید ریشه در گذشته کاری "هاشمیان" داشته باشد. به عبارت دیگر "هاشمیان" بارها تذکر داده که کار و فعالیت مطبوعاتی خود را وقتی در صنف ۱۰ و یا ۱۱ مکتب استقلال درس می خوانده، از طریق تایپستی برای این و یا آن نشریه آغاز نموده است. با دقت در این نکته، تمام نفرتی که "هاشمیان" علیه تایپست و تایپستی دارد و استفاده از آن را به مثابه تحقیر علیه دیگران به کار می برد، به یقین ریشه در همان دوران کاری دارد.

این که مبنای ایجاد آن عقده چرکین چه بوده است، بدون آن که شخص "هاشمیان" خود زبان کشوده، بیان دارد؛ برای ما ها که بر گذشته حدود هفتاد و چند سال قبل یک انسان دروغگو قضاوت می نمایم، نمی تواند ساده باشد. حدسیات می تواند از بدر رفتاری های اداری آغاز یافته، حتا مسأله تجاوز جنسی را شامل گردد. اگر خواسته باشیم به مثابه یک طبیب در مسأله نظر دهیم، بیش از هفتاد در صد عامل چنین نفرت دیر پای و ماندگاری را همان تجاوز جنسی بر وی می دانم. به عبارت دیگر او باید در همان هنگام از طرف کس و یا کسانی مورد تجاوز جنسی و عمل لواط قرار گرفته باشد تا تایپستی را یک شغل حقیر و یک نوع توهین در نزد وی تداعی نماید.

۳- "هاشمیان" انسانی بوده که در تمام مدت حیاتش، بر مبنای مساعدت امکانات استخباراتی، به اینجا و آنجا مقرر شده و همان مناسبات آلوده، پایه های اصلی ترقی وی را مساعد ساخته است. مساعدت همین روابط، از وی شخصی به وجود آورده کم سواد و فاقد دانش، که در وجود هر فرد دانشمندی به نحوی دشمن خود را جست و جو می نماید. به عبارت دیگر، "هاشمیان" نمی خواهد و نمی تواند تحمل کند که کس و یا کسانی بیشتر از وی می داند و بداند، بهتر از وی تحلیل می دارد و کمتر از وی اشتباه و غلطی املائی و انشائی دارد. درک ضعف ها برای "هاشمیان" به جای آن که وی را متوجه اشتباهات و کمبود هایش ساخته، در جهت رفع آن ها بکوشد؛ از آن جایی که تمام القاب و عناوینش از یک مبنای علمی مایه نگرفته تا وجدان اکادمیک را در وی ایجاد و پرورش دهد و با صراحت اقرار نماید که نمی داند و دانشش به مانند تمام انسانهای دیگر محدود است، بر مبنای سلطه همان روابط در ارتقای شغلی اش، به نحوی عقده خود مرکز بینی و خود برتر بینی دیوانه واری وی را بدان می دارد، تا مقابل علم و دانش عقده مندانه برخورد نموده، عقده های حقارتش را از آن بابت بپوشاند.

به عبارت رسا تر، نفرت "هاشمیان" از اشخاص دانشمند و آگاه، بازتاب و انعکاس نفرتی است که وی از دانش و علم دارد. حال داشتن چنین معضلی به چه اندازه ملهم از بیدانسی خودش است و به چه میزان برخاسته از اعتقادات ریکارانه ایدئولوژیک و اسلام پناهی های نفرت انگیزش می باشد، مسأله ایست که می باید جداگانه مورد بحث قرار گیرد. چه با حرکت از اصلی که جواسیس دین و آئین ندارند، دشوار است پذیرفت که "هاشمیان" اصولاً به اسلام معتقد باشد که اگر این طور می بود، جاسوسی نمی کرد، به کسی تهمت نمی بست، دروغ نمی گفت، قمار نمی زد. همیشه ۵۰۰۰ دالر- شراب نمی خورد، لواط نمی داد، برای مقامات قوادی نمی کرد و ...

۴- به ارتباط نفرت "هاشمیان" از شعله ئی ها و کمونیزم که تقریباً تمام دوستان حاضر در آن جلسه، حرفهائی برای گفتن داشتند، به اختصار دلایل آتی مورد بحث قرار گرفت:

- جریان شعله جاوید در کل و اجزای پیامد آن به صورت خاص، در عرصه افشای جنایات، خیانتها و وطنفروشیهای قرون معاصر افغانستان، به خصوص ۵ دهه اخیری که با پیدایش آن جریان همخوانی دارد، اگر بنویسیم یگانه نهادی

بوده و است که بی محابا تمام آن جنایات و خیانت ها را افشاء نموده و من بعد نیز خواهد نمود، نمی تواند منتظر باشد تا از دست دشمنان افغانستان و مردم آن، تحفه و مدال دریافت داشته، مورد حمله قرار نگیرند. چه وقتی آنها خود بدین امر معتقد اند، که "مورد حمله دشمن قرار گرفتن، امریست خوب نه بد"، زیرا فقط بدان وسیله است که می توان فهمید، بین خود و دشمن تا چه حد مرز کشی نموده، صفوف متقابل را مشخص نموده است، می باید این را هم بپذیرد که در جریان کار و پیکار مبارزاتی اش نه یک بار بلکه بار بار مورد حمله و تهاجم دشمنان رنگارنگ حتا انسانهای بی شخصیتی از قماش "هاشمیان" قرار گرفته و در آینده نیز قرار خواهند گرفت.

- به موازات ایستادگی آحاد جریان "شعله جاوید" و پیامد های تشکیلاتی آن در دفاع از وطن و مردم، مسلم است که جواسیس به هر قد و قامتی که باشند، با هر درجه از فهم و دانشی که باشند، می خواهد آدم با سوادی باشد و یا هم خر فیلسوفی از قماش "هاشمیان" وی را مورد حمله قرار داده و خواهد داد. مگر نه این است که جواسیس پول می گیرند تا علیه انقلاب و انقلابیون کاری انجام دهند.

- هاشمیان با هزار و یک تار و رشته، گذشته از آن که با استخبارات غرب در تماس بوده، بر اساس روابط خانوادگی، - برادر، خواهر زاده ها، بردار زاده ها و تمام فامیل- در پیوند تنگاتنگ با مزدوران روس اعم از خلق و پرچم به خصوص پرچمی های باند ببرک امتزاج کامل داشته، نمی تواند بخشی از نفرت خانواده اش علیه جریان "شعله جاوید" و عشق به پرچم را که در وجودش نهادینه شده است، در چنین حالاتی تبارز ندهد. حال اگر چنین نمی بود و نباشد، کجاست صدای "هاشمیان" که به موازات هر ده دشنام علیه "شعله جاوید" یکی هم نثار "پرچم" نماید، اگر دشنام هم نمی دهد حد اقل با عضو شواری انقلاب ساخت ببرک و روسها از یک کون گوز زنده، به پرچمی های آشکار و پنهان القاب پیشکش ننماید.

- هاشمیان می داند که در بین آنهایی که علیه اشغالگران روسی و مزدوران شان در وجود خلق و پرچم، آگاهانه فیر نمودند، فقط و فقط می توان از نهاد های برخاسته از جریان "شعله جاوید" نام برد، در نتیجه "هاشمیان" گذشته از آن که به اساس تعلقات آلوده خانوادگی، خود را وارث خونهای ریخته شده پرچمها می داند، بلکه در عمل، متوجه می شود که حکم مرگ خودش نیز به مثابه یک جاسوس می توانست صادر شده باشد، لذا از موضع یک جاسوس، اگر امروز به دشمن جواسیس دشنام حواله ندارد، پس چه باید بکند؟؟

- و اما چرا نفرت علیه "کمونیسم"، از دید "هاشمیان" مظهر "کمونیسم" در افغانستان بدرستی "شعله جاوید" است. لذا نمی تواند علیه "شعله جاوید" که در مقیاس افغانستان منافع بادارانش را به خطر می اندازد، عو بزند و علیه "کمونیسم" به مثابه سیستمی که نجات بشریت و به گور سپردن امپریالیسم را وظیفه تاریخی اش قرار داده است، زوزه نکشد.

- "هاشمیان" به مثابه یک تن از شاگردان مکتب جنایت سرمایه که در اتازونی، زیر نام مکتب "مک کارتیزم" ابراز موجودیت کرد، در تمام سالها از قیل ضدیت با کمونیسم، نان خورده به جای و مکانی رسیده است، حال نمی تواند به غیر از آن چه فعلاً پیشه نموده، کار دیگری انجام دهد. او باید علیه "کمونیسم" زوزه بکشد، تا معاشش قطع نگردد، زیرا به نیکوئی می داند که هیچ شبانی به سگی که زوزه کشیدن بلد نباشد نان نداده و نخواهد داد.

- و....

این صحبت ها که تا حدی قناعتم را فراهم نمود، باعث شد تا به مثابه نخستین وظیفه، جمع بندی آن جلسه دوستان را با شما در میان گذارم، مسلم است که هرگاه "هاشمیان" و دنباله روانش خواسته باشند، با زبان یک بچه آدم با من بحث نمایند، چه به ارتباط نوشته ستالین و چه هم راجع به نوشته حاضر، در خدمت شان خواهم بود، برای فحاش ها هم، پایه های برق کافی وجود دارد تا حواله دارم.